سلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

بسم‌ الله الرحمن الرحیم، الحمدلله رب العالمین، و صلی الله علی سیدنا و حبیبنا ابی القاسم المصطفی محمد، و آله الطیبین الطاهرین المعصومین، لا سیما بقیة الله فی الأرضین روحی و ارواح العالمین له الفداه و اللعن الدائم علی اعدائهم اجمعین الی قیام یوم الدین، «رَبِّ اشْرَحْ لي‏ صَدْري \* وَ يَسِّرْ لي‏ أَمْري \* وَ احْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِساني‏ \* يَفْقَهُوا قَوْلي‏» (طه / 25 ـ 28)

بدون بسیاری از مقدمات چند نکته‌ای را عرض کنم در زیارت جامعه فرازی هست که می‌فرماید: «وَ الْبَابُ الْمُبْتَلَى بِهِ النَّاس‏» درب خانه اهل‌بیت فقط درب خانه‌ای نیست که حاجت بدهد، و انسان برود توسل پیدا بکند، و تبرک بجوید. بلکه این درب خانه دربی است که انسان با آن امتحان می‌شود «الْبَابُ الْمُبْتَلَى بِهِ النَّاس‏» ما با اهل‌بیت در موقعیت‌های مختلف امتحان می‌شویم. مردم کوفه با ابا عبدالله الحسین(ع) امتحان شدند، با امام حسن مجتبی(ع) امتحان شدند، با امیرالمؤمنین علی(ع) امتحان شدند، و ما الان با اربعین داریم امتحان می‌شویم. هر کسی هر چه قدر می‌تواند برای اربعین ابا عبدالله الحسین(ع) مایه بگذارد از این امتحان روسفید بیرون خواهد آمد، ما نسبت به اربعین فقط شوق نداریم بلکه خوف هم داریم. خوف این که مبادا کم بگذاریم، خوف این که مبادا قدر این نعمت با عظمت را ندانیم و شکرش را نتوانیم به جا بیاوریم، خوف و شوق همیشه با هم باید باشد. ما درباره اربعین فقط به عشق حضرت به زیارت نمی‌رویم، بلکه خوف از این داریم که مبادا به محضر حضرت بی‌ادبی بشود و برای رفتن احساس تکلیف هم می‌کنیم. فرموده‌اند که هر کسی لااقل سالی یک بار باید به زیارت ابا عبدالله الحسین برود، اگر امکان مالی دارد سالی دو بار. و کسی مبادا سه سال بر او بگذرد و به زیارت ابا عبدالله الحسین(ع) نرفته باشد، به همین دلیل باید تلاش کرد زیارت اربعین به شدت زیارت ارزانی تمام بشود. از خود شهرها باید بانیان خیر کمک کنند، اتوبوس‌هایی را روانه کنند، خرج این مسافرین را تا دم مرز بدهند. و خرج غذای بین راه آن‌ها را، کسانی که ندارند. و البته هر کسی هم که ندارد اگر قرض بگیرد، خدا برای او این قرض را جبران خواهد کرد و بر دارایی‌های او حتماً خواهد افزود. و ما سفر اربعین را به دلیل این که بعضی‌ها ممکن است بضاعتش را نداشته باشند باید یک سفر بسیار ارزانی قرار بدهیم، یکی از اقدامات شایسته این است که لب مرز دولتی‌ها پولی از مردم نگیرند. واقعاً گرفتن انواع و اقسام پول‌ها به بهانه‌های مختلف مثل بیمه یک نوع راهزنی سر راه زائر اباعبدالله الحسین(ع) است. شما همین بیمه را دو سه برابرش را از جمعیتی که دو سه برابر این جمعیت هستند، وقتی که می‌روند تفریحاتی که خب ارز مملکت را نابود می‌کنند، دو سه برابر از آن‌ها بگیرید، اشکالی ندارد کسی برود تفریح و ارز کشورش را ببرد برای اهواء نفسانی بریزد توی حلقوم بیگانگان، ولی این جا ما باید این سفر را ارزان کنیم. ما در روایات داریم اگر حج خواست تعطیل بشود و مردم نداشتند که به زیارت بروند، حکومت اسلامی باید از بیت‌المال هزینه کند و کسانی را بفرستد. حالا که مردم خودشان دارند می‌روند سر راه آن‌ها قرار نگیریم و رهزنی مالی به بهانه‌های مختلف نکنیم، ضمن این که معلوم نیست بیمه اجباری اشکال شرعی و قانونی نداشته باشد، و البته باید کسانی که دست اندرکار هستند جدی پیگیری بکنند مبادا این رفتارهایی که خلاف شأن زائر اباعبدالله الحسین(ع) هست صورت بگیرد. پزشکان بسیار خوب، متعهد، جوان‌مرد، هستند در این مسیر اقدام می‌کنند به مداوای بیماران، و به پرستاری کردن از گرفتارانی که دچار مشکل می‌شوند. باید تصویر این پزشکان و پرستارانی که داوطلبانه با عشق خودشان بدون هیچ ادعایی می‌آیند توی این مسیر خدمت می‌کنند گرفته بشود، پخش بشود، حتی عراقی‌های عزیز بعضاً دیگر این‌ها را می‌شناسند. ایام اربعین می‌آیند پیش‌شان می‌روند، خیلی‌های‌شان متخصص در رشته‌های مختلف هستند. به این زیبایی وقتی می‌تواند انسان ایام اربعین را پشت سر بگذارد چرا برخی از حرف‌ها را به میان بیاورد که مال تمدن حسینی نیست، حضرت آقا فرمودند ما به سوی تمدن نوین اسلامی داریم می‌رویم با این اربعین. این تمدن ارتجاعی، مظاهر ارتجاعیِ تمدن غرب مثل بیمه این‌ها راهی ندارد در آن تمدن با عظمت اسلامی. آن جا همه ایثارگرانه دارند با همدیگر ارتباط برقرار می‌کنند، به هم خدمت می‌کنند، مناسبات یک صورت دیگری دارد. ان‌شاءالله بشود این سفر را به عنوان یک سفر ضروری همه تلقی کنند و امکاناتش را هم خیرین فراهم کنند و هم دولت خدمت بکند. دولت هر چه خدمت بکند به زیارت اربعین، و زائران اربعین به نفع مملکت، به نفع محرومین، و برکتی برای دیگر اقداماتش خواهد بود طبیعتاً. وای بر دولت‌مردی که نسبت به اربعین بی‌تفاوت باشد، ما امروز داریم با اربعین امتحان می‌شویم. «وَ الْبَابُ الْمُبْتَلَى بِهِ النَّاس‏» این امتحان را جدی بگیریم، امتحان آن نیست که بر ما واجب کنند ببینند ما چه می‌کنیم، امتحان آن قسمت حساسش، پر امتیازش، و احیاناً پر خطرش اگر بی‌اعتنایی کنیم، آن قسمتی است که ما را به آن تکلیف نکرده‌اند مثل شب عاشورا که امام حسین(ع) برای یاران خودش تکلیف نکردند بمانید فردا، ولی آن‌هایی که ماندند چه قدر بردند.

خب از این مقدمه که بگذریم دو نکته درباره ارتقاء محتوا و ارتقاء کیفیت، معنویت و معرفت اربعین خدمت سروران خودم عرض کنم. اولاً حتی المقدور هر کسی می‌خواهد به زیارت اربعین برود، کاروانی برود بهتر هست. من به عنوان یک طلبه کوچک، دوستی که خدمت همه عزیزان سال‌ها بودم و دیدم انواع زائرین و زیارت‌ها را، انواع سفرها را، دیدم بارها که چه قدر برکت دارد وقتی کاروانی به سفر می‌روند. از همدیگر حمایت می‌کنند، روابط نزدیک‌تر، صمیمانه‌تر، ایثار باب می‌شود بین‌شان. مخصوصاً هیأت‌ها وقتی یک کاروانی را می‌برند تازه هیأت شکل می‌گیرد از حالت مراسم درمی‌آید به یک تشکیلات معنوی تبدیل می‌شود. اولاً بعید می‌دانم هیأتی برای اربعین کاروان راه نیندازد. معنایش چه خواهد بود، امام حسین(ع) خودشان روضه گرفتند، یک هیأتی نمی‌خواهد پرچم خودش را در روضه ابا عبدالله الحسین(ع) به اهتزاز در بیاورد. خیلی عجیب است. واقعاً درکش دشوار است، هیأت هیأتی باشد حسینی اما کاروان نبرد اربعین کربلا. من دیگر بیشتر از این هیچ عبارتی را نمی‌خواهم بر زبان جاری کنم، احیاناً ممکن است عبارت‌های تلخی بر زبان جاری بشود. حرمت هیأت‌ها اجازه نمی‌دهد هیچ کلام تلخی را بر زبان جاری کنم.

ثانیاً هیأت‌ها نیاز دارند برای قوام‌شان، برای اثربخشی و دوام‌شان، افراد هیأتی خودشان را دور هم جمع کنند و با همدیگر سفر بروند. چه سفری بهتر از این سفر زیارتی تا با همدیگر پیوندهای محکم‌تری پیدا بکنند. بعد این بابی برای تعاون آن‌ها در ابعاد مختلف زندگی بشود. و بعد این موجب قوام این پرچم هیأت خواهد شد. هیأت‌ها حتماً نباید تبدیل بشوند به مراسم‌های بسیار بزرگ، نه هیأت‌های محلی، هیأت‌هایی که 50 نفر دور هم‌دیگر هستند یک اتوبوس بگیرند بروند بیایند، پای هم‌دیگر پیر بشوند ان‌شاءالله، پای هم‌دیگر در زندگی بایستند ان‌شاءالله. خب ارتقاء کیفیت این زیارت این است که در این کاروان‌ها به ویژه و در عموم سطح زیارت مردم رابطه‌شان با هم‌دیگر رابطه عالی‌ای بشود. خدا شاهد است یکی از مؤثرترین یا مؤثرترین عامل معنوی در این سفر همین خدمت‌های ایثارگرانه و با محبتی است که دوستان عراقی به زائرین انجام می‌دهند. خب ما همین را باید توسعه بدهیم. هر کسی در این سفر حاضر شد عهد بکند با خودش که مهربان‌تر بشود، عهد بکند نسبت به دیگران خدمت‌گزار بشود، نسبت به دیگران فروتنی کند، خاک پای رفقای خودش باشد، هر کسی در این سفر حاضر شد عهد کند نسبت به هیچ کس ناراحت، غضبناک و عصبانی نشود، هر کسی در این سفر حاضر شد جز لبخند به روی برادر دینی خودش نزند، هر کسی در این سفر حاضر شد با خودش عهد ببندد در طول راه به دیگران کمک کند. ساک کسی را توانست جابه‌جا کند، غذای خودش را به دیگری بدهد، ما باید این سفر را فقط سفر زیارت اباعبدالله الحسین(ع) قرار ندهیم، این سفر را در کنار زیارت اباعبدالله الحسین حتی هم‌سنگ اهتمامی که برای زیارت اباعبدالله الحسین(ع) داریم سفر خدمت به زائرین، محبت به زائرین قرار بدهیم. و وقتی شما به زائر امام حسین(ع) خدمت می‌کنی و محبت می‌کنی صداقت خودت را به اباعبدالله الحسین نشان دادی و الا سفر می‌رود به سمت سفر تفریحی که انگار از معنویت و معرفت لازم برخوردار نیست. خدمت کردن به سینه‌زن ابا عبدالله الحسین و زائر ابا عبدالله الحسین کمتر از خود زیارت نیست. حضرت امام در دوران جوانی‌شان با رفقای دیگرشان می‌آمدند مشهد مقدس یکی از مراجع عظام تقلید می‌فرماید امام از زیارت صبح‌ها زودتر به خانه برمی‌گشت، ما می‌دانستیم امام چه قدر علاقمند به زیارت است، از ایشان می‌پرسیدیم شما کم برای زیارت می‌ایستید، ایشان زود برمی‌گشتند، برای رفقای‌شان چایی آماده می‌کردند، صبحانه آماده می‌کردند، می‌فرمودند خدمت به زائر آقا امام رضا(ع) کمتر از خود زیارت نیست. این هوشمندی یک انسان باصفا را می‌رساند. ما باید رسماً اعلام کنیم این سفر فقط سفر زیارت اباعبدالله الحسین(ع) نیست، در کنار زیارت هم‌سطح زیارت سفر محبت به زائرین اباعبدالله الحسین است. سفر خدمت به زائرین ابا عبدالله الحسین است. دنبال فرصت باشیم در این سفر به کسی تواضع کنیم، به کسی مهربانی کنیم، دست درمانده‌ای را بگیریم، به کسی کمک کنیم، غذای خوشمزه‌ای بود کسی آمد، مثلاً احیاناً دیدیم هنوز غذا نخورده نگه داریم برای او و به او تعارف کنیم. خودمان در کنار او گرسنگی هم کشیدیم، بی‌خیال، این‌ها را خدا دانه‌ دانه‌اش را می‌بیند. ملائکه حرم دانه دانه این‌ها را ثبت می‌کنند، بگذارید این که این حماسه اربعین مقدمه آن تمدن بزرگ شده است، آن تمدن نوین اسلامی، این را در آن تسریع بکنیم. چرا یک سفر زیارتی مقدمه تمدن عظیم اسلامی شده؟ به خاطر ایثاری است که لب جاده موکب‌دارها در اهداء هستی خودشان حتی، اموال خودشان برای زائرین دارند، این جلوه، و الا زیارت که خیلی وقت‌ها صورت می‌گیرد. ایام عرفه هم آن جا شلوغ می‌شود ولی این بساط موکب، این بساط ارتباط بین مؤمنین جایی جز اربعین نیست. این شور امام حسین آمده در خدمت رابطه مؤمنین با یکدیگر قرار گرفته، پس بالا رفتن معرفت و معنویت این سفر و کیفیت این سفر در تقویت همین عامل کلیدی است. این یک عامل.

تقاضا می‌کنم از همه کاروان‌داران و موکب‌داران، این موکب‌ها هم که می‌دانید خیلی فرصت عالی است دیگر، مثلاً 20 نفر، 50 نفر، صد نفر از یک جایی جمع می‌شوند می‌روند آن جا یک موکب می‌زنند، ارتباط خود این چند نفر با همدیگر، غوغا می‌کند. چه قدر زمینه تقرب را دارد فراهم می‌کند ضمن این که خب دوباره همین موکب‌دارها به دیگران وقتی خدمت می‌کنند. موکب‌داران و هیأتی‌ها و کاروان‌داران و عموم زائرین مسابقه بگذارند با هم، در نوشتن و تدوین آیین‌نامه‌هایی که آیین مهرورزی است در این سفر. خیلی زیبا خواهد بود، این سفر را در همین مسیر، خانواده ابا عبدالله الحسین را بردند در نهایت بی‌رحمی و خشونت، در نهایت رفتار غیرانسانی با بچه‌های ابا عبدالله الحسین(ع) برخورد کردند، غذا می‌گذاشتند بوی غذا به مشام امام حسین(ع) می‌رسید و به بچه‌ها غذا نمی‌دادند. شما وقتی که بغض آن دشمنان خبیث در دل‌تان هست هر چه می‌توانید به کودکان زائران ابا عبدالله الحسین(ع) خدمت بکنید. مخصوصاً آن‌هایی که این سفر را خانوادگی بلند می‌شوند می‌آیند. خیلی از من می‌پرسند این سفر را خانوادگی برویم خوب است یا نه؟ خیلی زیباست خانوادگی، مخصوصاً این سفر را با بچه‌های کوچولوی‌شان بلند می‌شوند می‌روند، تداعی کننده خیلی معانی است. ابا عبدالله الحسین(ع) این سفر را خانوادگی آمدند، چرا ما خانوادگی نرویم، مخصوصاً با فرزند کوچک، یک کسی دختر سه ساله‌ای داشته باشد، توی این سفر حرکت کند باید همه مراقب این بچه‌ها باشند، منتها زیبایی خاص خودش را دارد، بله اگر کاروانی باشد، وقتی آدم سفر خانوادگی دارد بهتر است. یا خانم‌ها، اگر با کاروان باشند، یا با خانواده باشند، یقیناً خب خیلی بهتر هست، تنهایی سفر کردن به ویژه برای بانوان محترم زیاد صورت خوشی ممکن است نداشته باشد. خب البته بعضی از جوان‌ها ماشاءالله این قدر شور دارند نوزاد تازه به دنیا آمده‌اش است می‌گوید می‌خواهم بروم سفر. خب نباید دیگر این مشقت‌ها را احیاناً به خانواده و به خود تحمیل کرد، یک وقت کسالتی عارض بشود برای بچه، برای مادر، این‌ها را بله باید مراقبت کرد، منتها دیگر بقیه صورت‌هایی که تصور می‌شود برای سفر خانوادگی، خیلی فوق‌العاده است. ان‌شاءالله خدا از همه خانواده‌ها بپذیرد.

راه دومی که برای ارتقاء معنویت این سفر بنده پیشنهاد می‌کنم خدمت سروران خودم هر چه امام زمانی‌تر شدن این سفر پرحماسه و مبارک است. در این سفر یاد حجة ابن الحسن العسکری ارواحنا له الفداه را بیشتر داشته باشیم، در این سفر وقتی خصوصاً شب‌ها به پیاده‌روی می‌روید که البته این سال‌ها یک مقدار پیاده‌روی شب‌ها بیشتر طرفدار دارد، روزها آفتاب می‌شود و یک مقدار گرم هست، خب در این تاریکی‌ها مناجات با حجة ابن الحسن العسکری ارواحنا له الفداه، خیلی نکته زیبایی است. دعای فرج را خواندن، دعای استغاثه به حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداه را بعد از هر نماز خواندن، خیلی زیبا است، بگذارید بگویند این‌ها چرا تا نماز می‌خوانند در این سفر بلند می‌شوند «الهی عَظُمَ الْبَلَاءُ» برای فرج مولای‌شان دعا می‌کنند، چرا در این سفر همه به یاد او هستند که غایب هستند. ببینید ما در زیارت اربعین می‌گوییم «وَ نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّة» ما آمدیم شما را کمک کنیم. این یعنی یا ابن الحسن ما برای کمک به شما آمده‌ایم. بگذارید مردم بپرسند این سفر اربعین، سفر عزاداری برای امام حسین است، یا سفر سوگواری برای طولانی شدن غیبت حجة ابن الحسن العسکری ارواحنا له الفداه، در نوحه‌ها چه قدر خوب است گوشواره‌هایی باشد که برای این بندهایی که مردم جواب می‌دهند هی خطاب به حجة ابن الحسن العسکری ارواحنا له الفداه تمنای ظهور می‌شود و الی آخر. حالا دوستان پیشنهادی که دادند و پیشنهاد خیلی خوبی هم هست. از مسجد سهله سفر را آغاز بکنند، درباره این پیشنهاد هم چند نکته‌ای عرض بکنم. اولاً مسجد سهله سر راه اصلی و قدیمی زائران اربعین است، راهی که به طریق علما مشهور هست. این راه همان راهی است که اهل بیت را به کوفه آوردند. مسجد سهله در واقع به نوعی سر راه کاروان ابا عبدالله الحسین(ع) هم هست و از قدیم مرسوم بوده برخی علما به من می‌فرمودند، هر کسی می‌خواست پای پیاده به کربلا برود از نجف اشرف، می‌آمده مسجد سهله دو رکعت نماز می‌خوانده با آن همه فضیلتی که درباره نماز خواندن در مسجد سهله هست، نماز می‌خوانده بعد حرکت می‌کرده می‌رفته. ثانیاً‌ مسجد سهله با یک مقدار مختصر اختلاف سر راه زائرین ابا عبدالله الحسین هست وقتی که از حرم مطهر از آن ثورة العشرین کسی بیاید کوفه برسد به مسجد سهله بعد از طریق مسجد سهله یک جاده بسیار خوبی هست به کمر جاده اصلی نجف اشرف الی کربلای معلی ملحق می‌شود. از مسجد سهله کسی حرکت بکند راهش چندان دورتر نمی‌شود. مخصوصاً اگر بخواهد از راه کنار رودخانه برود، کنار شط برود که اصلاً مسجد سهله سر راه او خواهد بود. و بعد حیف است آدم بیاید نجف اشرف خانه امام زمان حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداه، مسجد منسوب به این وجود مقدس و نازنین حاضر نشود. بعد اگر کسی خواست صبح سفر خودش را شروع بکند، بعد از یک دو رکعت نماز واجب در این مسجد شریف خواندن که چه قدر توصیه شده، حداقل یک نماز واجب خودتان را در مسجد سهله بخوانید، در روزی و عمر شما چه قدر برکت ایجاد می‌کند. مرگ ناگهانی را از بین می‌برد، خیلی روایات عجیب هستند درباره ثواب زیارت مسجد سهله و نماز خواندن در این مسجد شریف، بعد از این که دو رکعت نماز صبح خودش را خواند یک ناله‌ای یا ابن الحسن، یک دعای عهد، یک تجدید عهد با امام زمان ارواحنا له الفداه، بعد حرکت خودش را آغاز بکند. یک نیت امام زمانی، یک تمنایی برای ظهور، بعد سفر خودش را آغاز بکند، خود این اصلاً سفر کربلا را معنوی‌تر خواهد کرد. با توجه به حضرت حجة ابن الحسن العسکری ارواحنا له الفداه این سفر را ادامه بدهیم، رفقا بی‌رودربایستی عرض کنم، خیلی در این سفر دنبال امام زمان‌تان بگردید. بگویید آقا یا ابن الحسن چشمم تاریک شده از بس دنبال تو گشتم و تو را ندیدم. اگر بنا باشد کسی در گوشه‌ای به محضر مولای خودش برسد، که آنان رسیدند دم فرو بستند و به کسی نگفتند. حتماً یکی از مواقفش این سفر هست، مگر می‌شود پدر گرامی ایشان امام حسن عسکری(ع) دعوت کرده باشند، فرزند گرامی ایشان خودشان حضور پیدا نکنند. مگر می‌شود اجداد طاهرین‌شان دعوت به پیاده‌روی کرده باشند خود ایشان پیاده‌روی نکنند. مگر می‌شود این همه مردم به عشق حضرت در این راه پیاده بروند، بعد آقا، مولای‌مان حجة ابن الحسن العسکری در میان این مردم حضور پیدا نکنند، مگر می‌شود کسی این همه راه را پیاده برود، لحظه‌ای شانه او به شانه مبارک حجة ابن الحسن العسکری ارواحنا له الفداه نخورد، یا صاحب الزمان ما که کربلا نبودیم حسین را یاری کنیم، اگر بیاییم اربعین و شما را نبینیم دق خواهیم کرد. ما برای تو آمدیم، ما برای اعلام آمادگی، برای انتقام خون حسین تو آمدیم، «أَيْنَ الطَّالِبُ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ» یکی از شعارهای بسیار زیبا در این سفر این جمله است که در ادعیه ما داریم در زیارت‌ها، «مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِكُم‏» در زیارت جامعه، «مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِكُم‏» ما منتظر امر شما هستیم. و در زیارت اربعین «وَ نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّة» یا ابن الحسن،‌ وقتی می‌گویید «وَ نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّة» در واقع داری این را به امام زمان ارواحنا له الفداه می‌گویید، لبیک یا حسین، در واقع لبیک یا صاحب الزمان هست. حضرت شما را ابا عبدالله الحسین حواله خواهد کرد به مهدی خودشان، مهدی جان این‌ها به عنوان یاری تو آمده‌اند. بگذارید این رعب حماسه با عظمت اربعین در دل‌های دشمنان بنشیند «وَ نَصَرَهُ بِالرُّعْبِ» خدا امام زمان را با رعبی که از یارانش، با رعبی که از وجود مقدسش، به دل دشمنان می‌اندازد پیروز خواهد کرد. درگیری‌ها کاهش پیدا خواهد کرد، کار حضرت بهتر پیش خواهد رفت. این رعب را بیافکنید، این سفر، سفری است که در دل دوستان محبت، و دل‌گرمی و احساس هویت و قدرت ایجاد می‌کند و در دل دشمنان رعب ایجاد می‌کند. ما همه سربازان حجة ابن الحسن العسکری هستیم، که در این راه قدم برمی‌داریم، همه خدمت‌گزاران در این راه، خدمت‌گزاران لشکر حجة ابن الحسن العسکری ارواحنا له الفداه هستند، همه کسانی که غذا درست می‌کنند دارند غذا برای سربازان حضرت درست می‌کنند، زن و مرد، کوچک و بزرگ هر کسی که آمده در این راه، به یاری مهدی فاطمه آمده است و الان دارد مستقیم یاری می‌کند. بحث بعداً‌ نیست، الان مستقیم دارد یاری می‌کند. چه کسی تصور می‌کرد ما بتوانیم مستقیماً سربازی کنیم، قدم‌رو برویم در پادگان مهدی فاطمه. الان بساط را فراهم کردند، پیر ناتوان، جوان برنا، کودک خردسال، وقتی خدا می‌خواهد ابواب برکت و رحمت را باز کند، همین جوری رفتار می‌کند. و البته آخرین جمله من، توی این مسیر قرار بگیرید تا هر کسی با روضه آشنا هست، آشناتر بشود، روحش عجین با روضه هست، روضه در جانش عمیق‌تر بشود، خواهش می‌کنم توی این راه قدم بردارید، ببینید اگر پذیرایی توی این راه نبود، آب به شما نمی‌دادند، غذا نمی‌دادند، یک جایی برای استراحت شما نمی‌گذاشتند چه قدر سخت می‌شد. من دوست دارم توی این راه برای خانواده‌ها روضه بخوانم، بگویم که خانواده‌های محترم، بچه‌های خودتان را چه جوری آرام می‌کنید اگر خسته بشوند یک دفعه‌ای بگوید مامان برویم خانه، دیگر خسته شدم، مواظب باشید بچه‌ها خسته نشوند. اگر بچه‌تان یک وقت برویم خانه، دیگر خسته شدم، زود به او وعده بده، بگو ان‌شاءالله به زودی می‌رویم اگر دیدی خیلی خسته شد حتماً ماشین سوار شو، نگذار بچه‌ات اذیت بشود. امان از آن لحظه‌هایی که بچه‌های حسین اگر به زینب می‌گفتند، عمه جان زینب به مدینه برگردیم، چی جواب می‌خواستند بدهند. این حرف بی‌مبنا نیست، مگر سکینه دردانه نیامد، صدا زد «رُدَّنَا إِلَى حَرَمِ جَدِّنَا» آقا ما را اول برگردان مدینه بعد برو. بچه طبیعی است تا خسته می‌شود می‌گوید مامان برگردیم خانه خسته شدم، خب بعد پدر و مادر باید زود به آن‌ها آرامش بدهند. آی ایرانی‌های مسافر، آی عراقی‌های مسافر کربلا، چه قدر مسافت مگر طی می‌کنید، شاید دورترین مسافت موصل باشد که حرکت می‌کنند از موصل حرکت می‌کنند مؤمنین شیعه و سنی به کربلا خودشان را می‌رسانند. می‌دانید سفر زینب چه قدر مسیر بوده طی کرده؟ مردم می‌دانید ما مقام رأس الحسین داریم در ترکیه، جنوب ترکیه، این کاروان را مستقیم به شام نبردند، سه چهار برابر راه را طولانی کردند. ان‌شاءالله امن بشوند یک عده‌ای حرکت کنند که این مسیر را طی بکنند ببینیم زینب کبرا را چه قدر از این خانه به آن خانه بردند. حالا زینب صبور مقاومت دارد، این بچه‌های حسین، بچه‌ها و کودک‌ها این‌ها چه کار می‌کنند توی این راه، یا ابا عبدالله، ما شرمنده تو‌ هستیم. می‌خواهیم اربعین بیاییم سیر، بعد از این که پاهای‌مان خسته شد، تاول زد، یک گوشه بنشینیم برای تاول پاهای بچه‌های تو گریه کنیم، ممنونتیم حسین، به ما میدان دادید. اگر شما نگفته بودید پیاده بیایید کربلا، خودمان خودسر می‌آمدیم این قدَر لذت نداشت می‌گفتیم که نمی‌دانیم می‌پذیرند یا نه؟ اما الحمدلله می‌دانیم این کار محبوب شماست، دوست دارید. آن فرد خدمت امام باقر(ع) رسید نزدیک مدینه شد، اسبش را کنار گذاشت، شترش را کنار گذاشت، گفت می‌خواهم پیاده بروم. پای پیاده نزدیک مدینه حرکت کرد تا رسید به خانه امام باقر(ع)،‌ گفت آقا نگاه کن به عشق تو آمدم، پاهایم را ببین، پاهایش تاول زده بود، زخمی شده بود، لباسش خاکی شده بود، تا گفت پاهایم را ببین چه طور شده، امام باقر(ع) فرمود شکایت نکن. کار زیادی نکردی برای امام زمانت این جوری پای پیاده آمدی، گله نکن. ان‌شاءالله در این مسیر نورانی وجودتان نورانی بشود. نسل در نسل این نور ان‌شاءالله ادامه پیدا خواهد کرد. دعا نکنم دیگر نزدیک اذان است، یک مقدار از اذان هم حالا می‌گویند نماز جمعه بگذرد، از برادران عزیز دیگر باید استفاده بکنید عذرخواهی می‌کنم طولانی شد، خدایا این سفر اربعین امسال را مقدمه ظهور عاجل مهدی فاطمه قرار بده. صلوات ختم کنید.

پایان